

## بسم الله الرحمن الرحيم

یک نظام چطور می تواند ادعای موفق بودن را کند؛ در حالی که بیشتر از دو میلیون کودک زیر سلطه اش در خانواده های پرخطر زندگی می کنند



(ترجمه)

### خبر:

کمیسیونر حقوق کودکان در سوم جولای سال روان، گزارشی را در مورد کودکان انگلیسی منتشر نمود که نشان می دهد 2.1 میلیون کودک، یعنی از هر شش کودک یک کودک در این کشور در خانواده هایی بزرگ می شوند که در معرض جدی آزار و اذیت قرار دارند، 825 هزار کودک در خانه هایی زندگی می کنند که سابقه خشونت خانگی دارند، 470 هزار کودک با والدینی زندگی می کنند که به مصرف موادمخدر و مواد الکولی اعتیاد دارند، 100 هزار تن آن ها در خانواده های زندگی می کنند که آغشته به "سه زهر" اند که عبارت از مشکلات سلامت روان، خشونت خانگی و مصرف الکل و مواد مخدر و 470 هزار کودک دیگر در زیر خط فقر زندگی می کنند. این گزارش هم چنان نشان می دهد که 1.6 میلیون کودک در معرض خطرات خانگی قرار داشته و بدون کمک و رسیدگی مقامات دولتی برای مقابله با این شرایط غم انگیز به حال خود رها شده اند.

طبق اطلاعات منتشر شده در جنوری سال روان توسط وزارت تعلیم و تربیه انگلیس، در سال های 2016 و 2017م به تعداد 646.120 کودک به دلیل بدرفتاری و بی توجهی خانواده های شان به دفتر خدمات اجتماعی انگلیس و ویلز مراجعه نموده اند، که در هر 49 ثانیه با یک کودک بدرفتاری و بی توجهی صورت می گیرد. آنه لانگفیلد، کمیسیونر کودکان انگلیس، وضعیت دشوار کودکان را چنین توصیف نمود: «وضعیت امروزی کودکان تبدیل به بزرگترین چالش عدالت اجتماعی عصر کنونی شده است و ما جامعه ای را ایجاد نمودیم که با آینده صدها هزار کودک بازی صورت می گیرد.»

## تبصره:

بحث‌های سیاسی و رسانه‌ای در ارتباط به این وضعیت غم‌انگیز کودکان تصمیم گرفت تا بر فقدان بودیجه مناسب دولتی برای خدمات کودکانی که در چنین شرایط وخیم به سر می‌برند، تأکید کند. هزینه‌های این خدمات در شش سال گذشته تقریباً یک میلیون پوند کاهش یافته است، که منجر شده تا نهادهای خیریه هشدار دهند که مقامات محلی این کشور "با دست بسته" خدمات ناچیزی را برای این کودکان ستم‌دیده پیشکش می‌کنند. در حالی که عملکرد دولت در ارتباط به این قضیه تأثیر مستقیم بالایی کارکرد کمیته‌های محلی به منظور رساندن کمک‌ها به این کودکان رنج‌کشیده می‌گذارد؛ زیرا که خود دولت متهم به بی‌توجهی و عدم فراهم کردن زندگی مرفح برای طبقه نوجوان است. هم‌چنان دولت علت اصلی این فاجعه انسانی را نیز پنهان نگه می‌دارد. در حالی که تمرکز بالایی جنبه‌های اقتصادی، عامل اصلی این وضعیت دشوار و تنه‌ا بخش اقتصادی این مشکل را حل می‌کند، بلکه علت اصلی این وضعیت دشوار و تباهی جامعه حاکم بودن ارزش‌ها، شیوه‌های زندگی و قوانین دولت‌های لیبرال سیکولر سرمایه‌داری می‌باشد.

این جای تعجب نیست، بخاطری که اگر یک دولت ترویج‌کننده آزادی‌های لیبرال باشد، که عبارت از تأمین آزادی‌های فرد به منظور لذت بردن از زندگی و با شعار زهرآگین سعادت، یعنی استفاده اعظمی از امکانات و خوشی‌های زندگی می‌باشد، پس تعجب آور نیست که باعث به وجود آمدن نسل بیمارگونه و معتاد به موادمخدر و الکول شود که حتی از اطفال خویش مواظبت کرده نتوانند. اگر یک دولت به دنبال تأمین خواهشات، هوس‌ها و برابری جنسیتی افراد باشد، آن‌هم از طریق تظاهر کردن زنان منحیث شی در جامعه، پس تعجب نکنید که با موج از خشونت‌های خانگی مواجه شود. اگر یک دولت به وسیله نظامی رهبری شود که قوانین آن نظام از عقل محدود، ناقص و قابل تغییر بشر نشأت گرفته باشد، پس جای تعجب نیست که با کوهی از مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، که باعث درد و رنج افراد هم‌چنان کودکان شده، مواجه شود و برای نجات این افراد از این بدبختی‌ها هیچ راه‌حلی نیز نداشته باشد.

متأسفانه، در خانه‌ها و خانواده‌های امت مسلمه نیز کودکان همانند مشکلات جوامع غربی، با ترس و وحشت، سوء استفاده جنسی و جسمی، عدم توجه و غم و اندوه دسته پنجه نرم می‌کنند. این بخاطر پذیرش ما همان ارزش‌ها و نظام‌های فاسد و مضر لیبرال، سیکولر و سرمایه‌داری می‌باشد که با خیال‌پردازی‌های دروغین از طرف دولت‌های غربی، مؤسسات و سازمان‌های شان به بهای هنگفتی به ما فروخته می‌شود؛ در حالی که تأثیرات فاسد آن بر جوامع را پنهان می‌کنند. منحیث مسلمان، باید آیات قرآن کریم را که الله سبحانه و تعالی در سوره تین می‌فرماید، بیاد بیاوریم:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾

[تین: 4-6]

**ترجمه:** همانا ما انسان را در بهترین قوام و نظام آفریدیم؛ سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگردانیم؛ مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای نیک انجام دادند که برای آن‌ها پاداشی قطع‌ناشدنی و همیشگی است.

یقیناً زمان آن فرارسیده تا چشمان خویش را باز نموده و درک نمائیم که حفاظت از جوامع و سرزمین‌های اسلامی از این مسیر، که به طرف بدبختی اجتماعی روان است، نیازمند آن است تا نظام و ارزش‌های غربی را نپذیرفته و به طرف احکام، ارزش‌ها و نظام ولای اسلامی بازگردیم تا به زندگی مان نظم بخشیده و خانواده‌ها و سرزمین‌های مان را رهبری و حفاظت کند. در واقع، تنها روش زندگی اسلامی است که افکارمان را به وسیله تقوی، یعنی درک ارتباط با الله سبحانه و تعالی شکل داده و باعث شده تا روش زندگی و عقاید غربی را رد نمائیم؛ اعمال مان را نیز با اطاعت کردن از الله سبحانه و تعالی شکل داده و باعث شده تا در تمام بخش‌های زندگی خویش، منجمله پرورش و رفتار با فرزندان مان، مسئولیت‌پذیر باشیم و تقوی پیشه نمایم؛ چنان‌چه از ذره ذره اعمال خویش در آخرت مستحق ثواب یا عذاب می‌شویم. تنها نظام اسلام به وسیله برپا کردن خلافت اسلامی برمنهج نبوت قابل تطبیق است، قسمی که تمام قوانین آن از جانب خالق جهان؛ کسی که بر تمام امور و مشکلات انسان‌ها آگاه است، می‌باشد. از اینرو زمان آن فرارسیده تا برای نجات جامعه از این همه بدبختی و مصیبت، خلافت اسلامی را با ایجاد هماهنگی در بین جامعه برپا کنیم.

به همین دلیل است که حتی غیرمسلمانان نیز ماهیت تمدن خلافت اسلامی را می‌ستایند. طور مثال ویلز نویسنده معروف انگلیسی در کتاب خویش تحت عنوان "چکیده‌ای از تاریخ" نگاشته است: «اسلام چنان جامعه‌ای عاری از گسترش هر نوع ظلم و ستم را ساخته بود که کسی تا حال نظیرش را در جهان تجربه نکرده است.» «این مطمئناً همان چیز است که منحیث مسلمان آرزوی آن را برای فرزندان، خانواده‌ها و جوامع خویش داریم؛ اما این زندگی با عزت تنها با برگشت کامل اسلام از طریق تأسیس نظام الهی یعنی خلافت اسلامی در سرزمین‌های مان امکان‌پذیر است.

داکتر نسرین نواز

رئیس بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

29 شوال 1439 ه.ق

13 جولای 2018 م